

وطن

صاحب امتیاز : م . غبار
 مدیر مسئول : ع . خروش
 اداره : جاده اندرابی ۱۹ کابل
 تلفون : ۱۶۵۲

اشتراک
 کابل : ۵۰ افغانی
 ولایات : ۶۰
 خارج : ۵۰ دالر
 یک شماره : ۷۵ پسون

هر پنجشنبه نشر میشود

سال اول

۲۶ فور ۱۳۳۰

شماره (نهم)

موریا نه دولت

چرا بیشتر از دوجد سال است يك فامیل ها نوور در راس دولت انگلستان قرار دارد و از بین نمیروند؟ و چرا صد سال است دولت افغانستان چقد بین بار از دستی بدستی و از فامیلی به فامیلی آنهم در سایه خون ریزی های داخلی و ویرانی مملکت منتقل گردید؟

برای آنکه درخت دولت انگلستان از موریا نه محفوظ است. و برای آنکه در ریشه شجره سلطنت افغانستان همیشه موریا نه مانده است. موریا نه یعنی عدم رعایت ملت از اجراءات حکومت و صومیت انواع اجتماعی نه اینکه در افغانستان موجود است و در انگلستان نی. بلکه تا انسان و زمین با قیمت این موریا نه بستم طبیعت و خاصه ترقی پذیری بشر در روی زمین باقی خواهد بود.

ولی در انگلستان این موریا نه همیشه در فلاف و روکن سلطنت یعنی کا بینه مشغول است و در افغانستان مستلماً به جان سلطنت می افتد. اینست که در آنجا بدون انقلاب و گشتار داخلی فقط کا بینه از بین میروند و سلطنت با قیمت. و اینجا سلطنت از پا در می آید اما با افتشاشات سنگین و خونینیکه ملک و ملت تا سالها دیگر اجازه مغرب و هولناک آنرا میکنند.

چرا؟ برای آنکه در انگلستان سلطنت جدا و کا بینه جدا است و در افغانستان کا بینه مغتار و مشغول وجود نداشته مقام سلطنت هم دولت و هم حکومت و کا بینه بشمار رفته است. پس ملت سبب عدم رعایت بود اما مقام سلطنت را تشخیص کرده و در عرض تبدیل کا بینه به تبدیل سلطنت مشغول گردیده است. اینست که تاریخ کشور ایران کابل واری در روسی و روسی. قتل های بحرانا

م . غبار

نسل جدید

این عصر جدید که بنام جوان ضرور و روشن فکر تازه به افغان گاه حیات اجتماعی وارد شده بخودی خود نیامده بلکه تاریخ چند هزار ساله تمدن و تکامل قهر او را باین صحنه کشیده و وظیفه بس مهم تبدیل حیات افغانستان را بکف او سپرده. جوان ما موراست اقتصاد مملکت را از حالت زراعتی محض بدرجه اقتصاد مختلف (زراعتی و صنعتی) معارف مملکت را از خصوصیت به عمومیت حفظ الصحة مملکت را از دایره خرافات بدرجه علمی تبدیل کند. همچنان در دیگر شئون اجتماعی چنان تحول و انتقالی وارد کند که قنای خطرناک فعلی درین اوضاع مملکت و روش زمانه رفع شود. تخلص اینکه جوان موظف است باینکه قیادت فکری جامعه را به کف آورده او را بطرف ترقی و تمدن رهنمون کند. گریز از فرمان تاریخ و مقتضیات ضرورتان برای او ممکن نیست مگر اینکه عالماً عامداً کشتی وطن را به طوفان حوادث بسپارد. ما اطمینان داریم که جوان افغان اگر چه دیر در صحنه حیات اجتماعی قدم گذاشته اما با روح ابتکار و تشبیه که دارد و با استفاده صحیح از تجارب همقطاران خود در مالک دور و نزدیک زودتر از آنچه بدبینان تصور میکنند با انجام این وظیفه موفق میشود.

راه که جوان در پیش دارد راست مستقیم و کوتاترین فاصله به منزل مقصود است. البته خالی از مشقت نیست اما اساساً به هدف میسازد.

م . ف

برای بیشتر از دویست سال است یک نامیل در راس دولت انگلستان قرار دارد و از بین نگیرد؟ و چرا صد سال است دولت افغانستان بیست بار از دست بدستی و از نامیلی به نامیلی آنها در سایه خون ریزی های داخلی و ویرانی سلطنت متفلسل گردید؟

نفر ریخته نمی شد و مملکت به خرابه زاری تحویل نمی یافت.

سالها یک عده متلقین ضعیف و بیچاره در صفحات روزنامه های همان وقت از مزایا و ثنایای مبالغه

آ میر شیر علی خان و امیر حبیب الله خان و امیر امان الله خان سخن را ندید و کسی این مدعا

مجوف از سقوط حتمی دولتهای آنها جلوگیری نکرد. اگر این مادیین و متصلین واجب الترحم عوض

خوش آمد و چا بلوسی در این بنجاه سال اخیر پادشاهان وقت را صادقانه و صمیمانه بطرف تاسیس حکومت و کابینه

مسئول متوجه می ساختند امروز افغانستان خوشبخت می بود. و عوض پادشاه گردشها و انقلابات خونین

مملکت بطرف تعالی و ترقی سوق می شد. خصوصاً در مملکت مثل افغانستان شعور ملی از قرنهای مستشعر

است که بقای کشور و حفظ استقلال و وحدت ملی افغانستان مربوط بوجود یک مرکز و محور کل یعنی "پادشاه" مملکت است.

ما که بدون توصل به سوگند های بزرگان خود را و منور بین افغانستان را از روی عقیده صحیح اجتماعی طرف دار

اصول مشروطه شاهی میدانیم و فریضه خود می شماریم که برای حفظ تمامیت خاک و استقلال وطن و برای حفظ امنیت

و پیشبرد ترقیات مملکت و جلوگیری از هرگونه اختلال و انارشی که منجر به ویرانی کشور و ارتجاع میگردد صادقانه اظهار

کنیم که امروز احتیاج اولین و بزرگترین سیاسی و اجتماعی ما تشکیل کابینه مسئول و طرف اعتماد و رعایت ملت و از بیسن ملت است و بس. فقط این چیز است که از ظلم و زور گوئی و بی قانونی و عکس العمل های آن جلوگیری میکند این چیز است که مقام منبع سلطنت را مصون و بالاتر از هر جریان نگه میدارد این چیز است

موریا نه یعنی عدم رعایت ملت از اجراءات حکومت و صبوحیت انواع اجتماعی نه اینکه در افغانستان موجود است و در انگلستان نه بلکه تا انسان و زمین باقیست این موریا بحکم طبیعت و خاصه ترقی پذیری بشر در روی زمین باقی خواهد بود.

ولی در انگلستان این موریا نه همیشه در فلات و روکش سلطنت یعنی کابینه مشغول است و در افغانستان مستقیماً به جان سلطنت می اند.

اینست که در آنجا بدون انقلاب و کشتار داخلی فقط کابینه از بین میرود و سلطنت باقیست. و اینجا سلطنت از پای

در می آید اما با افتشاشات سنگین و خونینیکه ملک و ملت تا سالها دیگر عیازه سرب و هولناک آنرا میکشند.

چرا؟ برای آنکه در انگلستان سلطنت جدا و کابینه جدا است و در افغانستان کابینه مشغول وجود نداشته مقام سلطنت هم دولت و هم حکومت و کابینه بشمار رفته است. پس ملت سبب عدم رعایت خود دایماً مقام سلطنت را تشخیص کرده و در عوض

تبدیل کابینه به تبدیل سلطنت مشغول گردیده است. اینست که تاریخ کشور مؤثر تکامل و ترقی تدریجی و طبیعی، فصل های بحرانی و کشتارها و تفریبات ارتجائی بیشتر باز کرده است.

امیر شیر علی خان پادشاه مدنیت برور و مهربانی بود او اردوی منظم با سربها اسلحه سازی، مطبخ و روزنامه و مکتب بسیار عالی

همینکه مردم ناراضدند او را در موقع باریکی ترک گفتند تا بشکل یک تراز در مزار جان داد و اساس سلطنت او منهدم گردید. چرا؟

برای آنکه کابینه مشغول و مسئول نداشت دولت و حکومت یکسی بود. پس حکومت شکست خورده شد.

امیر امان الله خان که پادشاه ترقی خواه بود فقط به علت این از بین رفت که دولت حکومت و کابینه را هم بگردن گرفته بود

اگر او کابینه مسئول نداشت. در اختشاش داخلی کابینه او از بین میرفت نه خود او. لهذا خون هزارها

این عنصر جدید که بنام جوان، شور و روغن فکر تازه به امتحان گاه حیات اجتماعی وارد شده بخوردی خود نیامده بلکه تاریخ چند هزار ساله تمدن و تکامل قهر او را باین

کشیده و وظیفه بس مهم تبدیل حیات افغانستان را بکف او سپرده. جوان مأمور است اقتصاد مملکت را از حالت زراعتی

محض بدرجه اقتصاد مختلف (زراعتی و صنعتی) ممانعت مملکت را از خصوصیت به عمومیت حفظ الصحة مملکت را از دست

خرافات بدرجه علمی تبدیل کند. همچنان در دیگر شئون اجتماعی چنان تحول و انتقالی وارد کند که تناقض خطرناک

فعلی در بین انواع مملکت و روش زمانه رفع شود. خلاص اینکه جوان موظف است باینکه قیادت فکری جامعه را به کف آورده

او را بطرف ترقی و تمدن راهنمایی کند. گریز از فرمان تاریخ و مقتضیات عصر زمان برای او ممکن نیست مگر اینکه عالماً

عامدگشتی وطن را به طوفان حوادث بسپارد. ما اطمینان داریم که جوان افغان اگر چه دیر در سحنه حیات اجتماعی قدم

گذاشته اما با روح ابتکار و تشبیه که دارد و با استفاده صحیح از تجارب همقطاران خود در مالک دور و نزدیک زودتر از آنچه

بدبینان تصور میکنند با انجام این وظیفه موفق میشود. راه که جوان در پیش دارد راست مستقیم و کوتاهترین فاصله

به منزل مقصود است. البته خالی از مشقت نیست اما اساساً به هدف میرساند بشرط آنکه رهرو زاد و توشه کافی از

مبادی ثابت با خود داشته. لهوسانه از خاسته سیر منحرف نشود.

نخستین چیزی که در این سیر و سفر برای جوان متجدد لازم است صراحت قول و عمل است. باید فقط چیزی را ادعا کند که حقیقتاً

میخواهد. میتواند و حاضر است عملی کند. هرگاه عمل خود را بدرجه قول ارتقا داده نمیتواند لا اقل ادعای خود را تا به مرتبه ممکنات تنزل بدهد. و قتیکه هدف عاجل و عاجل خود را معین کرد آنگاه سر راست بسوی مقصد روان شده خوف و ترس

جواب زاد یو کراچی

را د یو کراچی دو شب پیشتر محضون حماسی سول اند ملیتری گزیت را راجع به ترفیب حکومت کراچی به حمله در خاک افغان نستان انتشار داده و گفت باید سپاهیان کراچی حمله اوران افغانی (یعنی مدافعان افغانی) را در خاک افغان نستان تعقیب نمایند . و زیاده کرد که سابق (یعنی دوره انگلیسها) معمول بود که در پننین موارد عساکر پنجابی (انگلیس) تا کابل سو قیات کرده و پادشاه جدیدی بر تخت افغان نستان مینشاندند (مقصد او شاه شجاع بود) حال باید با کستان نیز این رویه را عملی کند . اما نویسنده مقاله نگفته بود که انوقت افسران انگلیسی مردم بیچاره پنجاب را با تا زیانه در مخا زکابل سوق و مثل ربه گو سفند در دم تیغ افغان تنها تحویل میدادند را د یو کراچی نیز فرا موش کرده بود که این قمار خطر ناک از توان ان دو میلیون خارج است . زیرا در انوقت هم با انکه افغان نستان دولت نداشتو امیر دوست محمد خان در هند بود عساکر مظلوم پنجابی با قوت الظاهر انگلیسی شان فقط از طرف ملت افغان تا نفر اخیر در دوره های هیبت ناک افغان نستان برای ابد دفن شدند . حال هم ملت افغان نستان حاضر است چنین گوی شمالی به اردوی متجا وز بدهد بفرمایند افغان نستان چنین چیلنجی را قبول دارد . ما از این نوع سخنان امانت جراید و را د یو کراچی که تاریخ را فرا موش کرده و خود را زیر زره بین می بینند آنگه اندازیم . ولی شکایت ما از حکومت و وزارت تحریریه خود ما که انتقد سہل انگیزی کردند تا :

دل اور شد ان مردم نادلیبر - گوزن اندر آمد بیابین شمشیر * اینک کار به جانی کشیده کی سا کین کراچی ہم بشان و شرفوشها ملتی مثل افغان نستان تجا وز و امانت میکند . ملت افغان نستان حاضر است یکبار د یگر درس که بارو وی محظوم بریدمانیہ داده بود به سپاهیان دو میلیون او نیز تکرار کند . بفرمایند اقا یان کراچی را چمن و خیزر تا کابل باز است . و گر جرئت داخل شدن در کام اورد ما ندارند پس بدانند که امانت زبانی بیسود بوده و سبب خشم و کینه ملت افغان میگردد که این امر وز ویا نرد ابرای ملت بیچاره با کستان کران تمام خواهد شد چه ملت افغان انتقام میگرد و ولو بعد از چهل سال باشد .

بقیہ نقل جدید

حرس و لاج را یک قدم فرا موش کند و ایدا به دولت لنگر و عقب -

ابلاغیہ

طوری که به همگان معلوم است دولت پادشاهی افغان نستان به وسایل صلح جو یانه و ذرا بیخ دیلو ما سعی نموده است تا حکومت پاکستان به حقیقت ملقفت گردیده و مدال به حقوق حقه هفت ملیون پشتونهای مسلمان را پذیرفته برای تقویہ عالم اسلام و امنیت عالم قدسی برداشته باشد . ولی متاسفانه حکومت پاکستان این پیش آمد خیر خواهانه و صلح جو یانه دولت افغان نستان را با زبان درشت نامناسب منافی اخلاق و قانون بوسیله را د یو و جراید خویش جواب داده بلکه به تعرضاتی مانند بمباری منگلی و غیره نیز پرداخته است . لیکن دولت افغان نستان که همیشه به امنیت جهان مخصوصا این گوشه ان امنیت و قیمتی را قایل است سعی نمود تا برای حل قضیه پشتون نستان از وسایل مسالمت آمیز کار گرفته باشد . ولی متاسفانه حکومت پاکستان باین نیت دولت افغان نستان متوجه نشده از تاریخ دهم ماه حمل اسما به تعرضات مسلسل جا رحانه به خاک افغان نستان در ولاایت قندھار آغاز کرده است . این تعرضات و تجاوزات عساکر و پلیسیانی پاکستان که در ان هر نوع اسلحه اتوماتیکی ثقیل و خفیف استعمال میشود صورت حملات منظم و مرتب را دارا بوده و طبق یک پلان سنجیده نظامی به عمل میاید توأم با جراید و را د یو پاکستان سعی دارند تا تمام این حقا یق را بصورت محکوس جلوه داده و در پرده این نشریات باطله مقامات نظامی خویش را پیش ببرند و حتی حکومت مذکور در مراجعات رسمی خود نیز همین رویه را تعیب مینمایند و با اظهارات و نیات غلطانه فقط با این تعرضات ادامه داده بلکه به تمرکز و سو قیات عسکری خویش در بلوچستان نیز افزوده است .

وزارت خارجه افغان نستان تمسب به تکرار و تسلسل همچو تعرضات و اظهارات محکوس حکومت پاکستان پر و تست شدید یان سپرده و انسداد این حملات و انرافات ادا مات و تمرکز نظامی را در بلوچستان که امنیت این گوشه جهان را تهدید میکند جدا مدال به و مسئولان امور موا قع یان حکومت پاکستان را ابلاغ کرده است .

از دیگران با این تر است مقصد و نسیب الامین اورا الاتراست .
درین عصر علم و دانش انحصار امدی نیست و برانسان می
تواند با تحصیل علم و دانش با سعی و کوشش در پیشبرد

راجع به : توضیح

روزنامه شریفه رسمی انیس در ۲۲ نور نظر ریاست جلیله مطبوعات را در برابر اظهار حقایق جرییده و لحن انتشار داد سعی نمودند که در این نوشته سئوالا عنقدی خود شان طرح و نمود شان جرح نمایند در حالیکه اصل سوال وطن باقی و بیجواب مانده و اینده هم بیجواب خواهد ماند چونکه ریاست جلیله مطبوعات جواب تا نونی نداشته و لهذا مجبور و مضطرب فروعات مشغول گردیده و یک عمل خلاف قانون خود شان را خواهی - تقوایی در مورد یک جریده ملی حق بجانب بشمار دهند . متلاما گفته و میگوئیم ریاست مطبوعات بحیث مدعی و بحیث قاضی و بحیث توه مجریه اما بدون تشکیل محکمه و اجزای محاکمه و تحقیقات کتبی و بدون حضور بجز محکم یک ماده جزائی تا نون مطبوعات را بخیاال شخصی خود شان تعبیر و بواسطه پولیس در معرض تطبیق گذاشتند .

اگر ریاست مطبوعات میگویند چنین نیست ؟ پس بفرمایند - صورت کتبی تحقیقات از متهمین و صورت فیصله و اسمائ اعضای مجلس محاکمه را نشر کنند تا حق و باطل اکتابی گردد . درست است ما میدانیم که امروز هم ما بیک مکتوب ریاست جلیله مطبوعات جریمه شده میستوانیم اما خوشبختانه حق چرا گفتن داریم و خواهیم گفت . البته ما امر پولیس را بنام قانون احترام و اطاعت خواهیم کرد ولی تقضا و تغیر قانونی یعنی یکطرفه و شغسای ریاست جلیل مطبوعات را خلاف

تا نون دانسته و خواهیم دانست .
اینک مدیریت نشرات ریاست جلیله برای سنجید ستر رفتار خلا تا نون خویش بعدا وره و مداحیه با فبارت وصل کرده اند درست نیست اثر این محارره داخل دایره رسمیت بود پس طبعا کتبی ای باید منتشر گردد . و اگر بنا باشد که در موارد رسمی بمصاحبات خصوصی اشخاص استناد شود درین صورت با ائسقی طرفین شرایای جریان صحیحیه را بی کم و کاست انتشار دهند تا اصل موضوع فهمیده شود .

چونیکه با داشتن اسناد رسمی نزد ما واضح است اینست که مداحیه مذکور بین فبارو شمس رئیس محترم مطبوعات در

امیر دوست محمد خان در هند بود عسا کر مظلم بنجا بی با تو الظهر
انگلیسی شان فقط از طرف ملت افغان تا نفر اخیر در دره های هبیت
ناک افغان نستان برای ابد دفن شدند . حال هم ملت افغانستان حاضر
است چنین گو شمالی به اردوی متجا وز بدهد بفرمایند افغانستان
چنین چیلنجی را قبول دارد . ما از این نوع سخنان امانت جبراید و
را دیو کراچی که تاریخ را فراموش کرده و نمود را زیر زره بین می
بینند آنگه نداریم . ولی شکایتما از حکومت و وزارت تحریریه خود ما
که اندر سهلتگاری کردند تا :

" دل اوز شد ان مردم نادلیر - گوزن اندر آمد بی این شسیر " ^{ست}
اینکا ربه جانی کشیده که سا کین کراچی هم بشان و شرفوشها
ملتی مثل افغان نستان تجا وز و امانت میکند . ملت افغان نستان حاضر
است یکبار دیگر درس که بار و می محظوم بر پلانیه داده بود به
سبا میان دو مینیون او نیز تکرار کند . بفرمایند اقایان کراچی را چمن
و خبیر تا کابل باز است . وگر جرئت داخل شدن در کام اژدها ندارند
پس بدانند که امانت زبانی بیسود بوده و سبب خشم و کینه ملت -
افغان میگردد که این امر وز ویا فردا برای ملت بیچاره با کستان کران تمام
خواهد شد چه ملت افغان انتقام میگیرد ولو بعد از چهل سال باشد .

به تعرضات مسلسل جا رحانه به ناک افغان نستان در ولا یتقند بار
افان کرده است . این تعرضات و تجا وزات عسا کر و ملیشیا بی پاکستان
که در آن هر نوع اسلحه اتو اتیکتیکی ثقیل و خفیف استعمال میشود صورت
حملات منظم و مرتب را دارا بوده و طبق یک پلان سنجیده نظامی به
عمل میاید توام فن جراید و را دیو پاکستان سعی دارند تا تمام این
حقا یق را به صورت معکوس جلو داده و در پرده این نشریات باطله مقاصد
نظامی خویش را پیش ببرند و حتی حکومت مذکور در مراجعات
رسمی خود نیز همین رویه را تعیب مینمایند و با اظهارات و نیات غلط
نه فقط با این تعرضات ادامه داده بلکه به تمرکز و سو قیات
عسکری خویش در بلوچستان نیز افزوده است .

وزارت خارجه افغان نستان تسببه تکرار و تسلسل همچو تعرضات
و اظهارات معکوس حکومتیا کستان پر و تست شدید یان ^{مذکورست}
سپرده و اسناد این حملات و ان مرافقات و تمرکز نظامی را
در بلوچستان که امنیت این گوشه جهان را تهدید آ تهدید
میکند جدا مالیه و مسئول ظهور عوامل قبیان حکومتیا کستان را ابلاغ
کرده است .

بقیه نسل جدید

حرص و طمع را يك قلم فرا موش کند و ابد ا به ذلت تنزل و عقب -
نشینی از مقامی که اختیار نموده تن ندهد . باید بدانند که
معیار اعتبار هر شخص و هر صنف در جامعه درجه مطابقت قول و
عمل و ثبات او در تعقیب مسلك است و انسانها به وق و وجدان
فطری اشخاص سریع الهجد - صادق العمل و ثابت قدم را
پیروی میکنند .
دیگر اینکه جوان متجدد باید بشنون اجتماعی علاقه محکم داشته
باشد - نه يك علاقه احساسی و شاعرانه که با لجن گریه الود
بخارج تراوش میکند بلکه علاقه برپایه ایمنه با تفکر و -
سنجش نظیر . ار تباطی که عالم با موضوع علوی دارد .
هر قضیه را که در صحنه اجتماع طرح میشود باید جوان مثل
یک نفر معلم مطالعه کند . از پرسش و تحقیق و تکمیل معلومات
خود و احیانا اعتراف ^{برچهل} و بی اطلاعی نهرا سسد - نداشتن
اسناد و مراتب علمی ما نع تحلیل و تحقیق ندارد . ملتفت باشد
که اگر نقطه حرکت او در مطالعه قضایای اجتماعی

از دیگران با ثین تراست مقصد و نصب العین او الاتراست .
درین عصر علم و دانش انحصار احدی نیست و هر انسان می
تواند با تجسس تحقیق با سعی و زحمت هر طلسمی را بشکند و
هر در بسته را بکشد . پس ازین تجهیز جوان باید موقوف خود
را از روی نفع اکثریت تعیین نموده بی مجامله و تملق و بی کینه
و غرض ان راتا اخر تعقیب کند .
سوم - جوان باید مالک حاکمیت بر نفس و تابع نظم و سبیلین باشد
شخص خود را یک نفر خادم و مجاهد راه ترقی و تجدید بشمارد
نه مرکز مدارک ثنات . دیو ، غرور بعضا جوانان را بوادی خود
خواهی و نفاق میکشاند و نیروی ایشان را بجای امور مفید
و مثبت برقا بتعاری شخصی و مقابله های بوج لفظی با هم دیگر
صرف میکند و از انجام وظیفه مشترك باز میدارد . جوان باید هم
تنقید کند و هم تنقید بشود اما تنقیدی عاری از تاسف و
تذنب - تنقیدی که منتهی بحمل و اقدام شود نه از جنس طعنه
و تمسخر که گاهی منجر به جدائی و بیگانگی میگردد .
البته در باب نسل جدید و وظیفه سنگین ان گفتنی بسیار است .

و شملیه و کتبی و بدون حضور بجز مشهم يك ماده جزائی
تا نون مطبوعات را بخيال شخصی خود شان تعبیر و بواسطه
پولیس در معرض تطبیق گذاشتند .
اگر ریاست مطبوعات میگویند چنین نیست ؟ پس بشر ما یند -
صورت کتبی تحقیقات از متهمین و صورت فیصله و اسامی اعضای
مجلس محاکمه را نشر کنند تا حق و باطل افتابی گردد .
درست است ما میدانیم که امروز هم ما بیک مکتوب ریاست جلیله
مطبوعات جرمه شده میتوانیم اما خوشبختانه حق چرا
گفتن داریم و خواهیم گفت . البته ما امر پولیس را بنام قانون
احترام و اطاعت خواهیم کرد . ولی قضاوت غیر قانونی یعنی
یکطرفه و شفاهی ریاست جلیل مطبوعات را خلاف
تا نون دانسته و خواهیم دانست .

اینک مدیریت نشرات ریاست جلیله برای سنه ^{ست} مستمر رفتار خلا
تا نون خویش بمحاوره و مصاحبه با غبار توکل کرده اند درست
نیست اگر این محاوره داخل دایره رسمیت بود پس طبعا کتبی است
و باید منتشر گردد . و اگر بنا باشد که در موارد رسمی بمصاحبات
شخصی اشخاص استناد شود درین صورت با ایستی طرفین شرابا
جریان مصاحبه را بی کم و کاست انتشار دهند تا اصل -
موضوع فهمیده شود .

چیزیکه با داشتن اسناد رسمی نزد ما واضح است اینست
که مصاحبه مذکور بین غبار و شخص رئیس محترم مطبوعات در
هفتم ثور بحمل آمده و قضاوت یکطرفه ریاست جلیله دایره
بجریمه بانزده روزه مایک هفته بیشتر ازین مصاحبه توسط
مکتوب نمبر سوم مورخ اخیر حمل به قوای ژاندارم و پولیس
ریاست ^{ست} .
ما برای بار اخیر میگوئیم مطابق ماده ۴۶ تا نون مطبوعات
مرجع رسیده گی موضوعات مطبوعاتی ریاست جلیله مطبوعا
است نه شخص رئیس محترم مطبوعات . پس ما فقط قضاوت
یک همیشه ریاست مطبوعات را در بین يك محکمه
و در حضور متهمین و با قید کتبی تحقیقات -
قانونی و واجب الاطاعه میشناسیم و پس .
و اما گوئی متکی بقوت رسمی چیز است دیگر .